

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۰۴.۰۳.۱۰

جان انسان ارزان و مرگ انسان آسان- بشتابید !

فیصله های کنفرانس لندن در مورد افغانستان و متعاقب آن، آغاز جنگ و رویا رویی مسلحانه در هلمند و موازی بدان، بمباران های هوایی نیرو های ناتو، باز و بار دگر، تعداد زیادی از هم میهنان عزیز و بیگناه ما را به کام مرگ و نیستی کشانید. نیرو های ناتو، در جریان همین هفته و در سه منطقه کشور ما، با بمباران های لاقیدانه (وبه عقیده من، هدفمندانه)، به تعداد بیشتر از یکصد تن را نا بود کردند. این نوع بمباران خونین و وارد آوردن تلفات سنگین انسانی و نابود سازی بیگناهان افغانستان تازگی هم ندارد، این تسلسل جنایت بار از مدتهاست در سرزمین محکومان زمان تکرار میشود و قربانی می ستاند. با درد و دریغ که هستی و زندگی افغان نزد خارجی های اشغالگر آنقدر ارزان و بی ارزش است که در هر باریکه طیارات شان روی منازل رهائشی، وسایط حمل و نقل و حتا محافل و مجالس خوشی مردم منطقه بم و آتش ریخته و در هر بار ده ها نفر را به دیار عدم می سپارند، متعاقب آن از جانب دولت کرزی فقط یک اعتراض و از طرف مقامات ناتو هم تنها یک تأسف ابراز میشود و بس. اگر موضوع از طرف مردم و یا مؤسسات حقوق بشری بیشتر دامن زده شده اعتراضات دامنه دار را در پی داشته باشد، در آن صورت خارجی ها و نوکران داخلی شان دست به هم داده "مراسم فاتحه خوانی" در یکی از مساجد شهر را اعلام میکنند، یا یک مشت پول نا چیز روی دست ورثه های شهداء میگذارند و با سوء استفاده از اعتقادات مردم، برای متعلقین قربانیان میگویند: "رضای خدا همین بود! اجل کار خود را میکند، صبر و شکیبایی ثواب دارد و...".

جالب اینست که در هر باریکه ده ها انسان شریف و بیگناه ما از دست اشغالگران خارجی به کام مرگ فرستاده میشوند، برای آنکه آقای کرزی برای خودش به اصطلاح بینی خمیری بسازد، یکی از قومندان های ایساف یا نا تو را در ارگ جمهوری میخواهد و تضرع کنان به او میگوید لطفاً از وارد آوردن تلفات بیشتر جلوگیری کنید و قومندان مربوطه هم بالمقابل وعده می سپارد که چنین وقایع دلخراش دیگر تکرار نخواهد شد. علاوه، یک فلم گزارشی و تبلیغاتی نیز از حضور "بزرگان نظامی" در دفتر کار رئیس جمهور تهیه شده و به چشم مردم زده میشود. ولی همینکه چند روز از آن سپری میشود، باز همان درامه خونین و همان مصیبت های جانکاه به گردش می افتد.

بروفق گزارشات منابع رسمی، این بار و در هفته ای که سپری شد، باز هم در اثر بمباران احمقانه ناتو، متأسفانه در دایکندی به تعداد سی و سه نفر کشته و دوازده نفر زخمی شدند. در ارزگان به تعداد بیست و هفت نفر کشته و پانزده تن دیگر زخمی گردیدند و در هلمند بیست و یک نفر مقتول و چهارده نفر هم زخمی شدند.

این حوادث خونین درحالی صورت می گیرد که فقط چند روز قبل، طی کنفرانس بین المللی لندن فیصله شده بود که نیرو های نا تو نباید بیشتر از این دست به کشتار مردم ملکی بزنند. حامد کرزی هم به خاطر آنکه به ملت افغانستان نشان دهد که گویا یک رئیس جمهور با صلاحیت و با اتوریته میباشد، جنرال مک کرسنال فرمانده عمومی نیرو های ناتو را به دفتر کارش استقبال کرد و کلمات همیشگی و عاجزانه خود را به حضور وی تکرار نمود. یعنی گفت:

"ای ارباب و ای آمر من! لطفاً مرا بیشتر از این نزد ملت بی اعتبار نسازید، آخر مردم هم از من انتظاراتی دارند!"

مجلس وزرای کرزی هم در یکی از روز های هفته رفته، نشستند و برای آنکه به اصطلاح عریضه سفید نمانده باشد، این عمل خارجی ها را عاجزانه محکوم کردند و بس. ولی سؤال اساسی اینست که آیا کرزی و وزرایش بیش از این کاری کرده میتوانند؟ آیا وی صلاحیت امرو نهای بالای مقامات ناتو و سایر اشغالگران را دارد؟

ما همیشه گفته ایم و یکبار دیگر با صراحت میگوئیم که هیچ حکومتی را در یک کشور مستعمره و اشغال شده مانند افغانستان (در همه دنیا) سراغ نخواهیم داشت که در برابر نیروی اشغالگران حاکم جرأت و صلاحیت امر و نهی را داشته باشد. اگر احیاناً کدام رهبر در کدام کشور مستعمره وجود داشته باشد که گاهی بخواهد چنین جسارتی را به خرچ دهد، بدون تردید، فوراً به خاطر چنین جسارت و "گستاخی" اش از سوی نیرو های اشغالگر کنار زده میشود و یا به مجازات های دیگر آشنا میگردد. روی همین دلیل عمده است که ملت ها میدانند و اعتقاد دارند که در جهان ما باید مشت را با مشت پاسخ داد. یعنی در برابر اشغالگری و زور گوئی و قتل و قلداری استعمار باید از قیام و جدال مسلحانه مرگ و زندگی کار گرفت.

مردم افغانستان به اساس فطرت نیک آزادگی و آزاد منشی شان، همیشه برای خارجی های اشغالگر، بی رحم و مغرور، با خیزش های مسلحانه ملی پاسخ دندان شکن داده اند، اما امروز، روی چند دلیل کاملاً واضح، هنوز صبوری اختیار کرده اند:

اولاً به خاطر خستگی شدید ناشی از جنگ های طولانی سی ساله که با انواع فشار ها، تهدید ها، کشتار ها، ظلم و نا مردمی جوانب مختلف (کودتا چی و جهادی و تنظیمی و طالبی) توأم بوده است.

دوم، تبلیغات دامنه دار، فریبنده، تاکتیکی و سازمان یافته ی کشور های جهان غرب مبنی بر باز سازی و شگوفائی و احیای خوشبختی مردم و مملکت افغانستان و جنگیدن در برابر غول تروریسم و

سوم، موجودیت گروه مسلح، انتحاری، انفجاری و چاکر پیشه ای به نام "القاعده" و "طالبان" در برابر نیرو های خارجی. زیرا مردم نجیب و با عزت افغانستان هرگز نمیخواهند کاری و اقدامی به عمل آورند که به نام طالبان ختم شود و یا خود شان به نام طالبان یاد شوند. چون، در غیر آن، ظرف ده سال اخیر، کارنامه های خونریزانه نیرو های اشغالگر در افغانستان، کارد را به استخوان مردم رسانیده و بخشهای بزرگی از اهالی مناطق مختلف کشور را آماده قیام ساخته است. یکی از پیشبینی های تحلیلگران همین خواهد بود که امروز یا فردا، دیر یا زود مردم عذاب کشیده افغانستان یکبار دیگر در برابر خارجی های بی باک، مغرور و متجاوز به پا خواهند ایستاد و بار دگر از دهلیز امتحان خونین به سوی افق آزادی و آبرومندی ملی عبور خواهند نمود. البته آن، وقتی خواهد بود که افراد و

داره های نوکرسفت، جاهل، سربر، انقیاد طلب و آله دست بیگانگان در کنار باداران شان از صفوف مقاومت آزادیخواهانه مردم طرد و تصفیه شوند.

آنچه انسان متفکر را به این نتیجه میرساند که بمباران افراد ملکی توسط نیرو های ناتو باید دیوانه وار، مغرورانه و عمدی باشد، عبارت از اینست که امروز کلیه تلاش ها، ریسرچ ها و دست آورد های علمی و تخنیکی اولتراز همه، در راه امور نظامی و اهداف جنگی قدرت های بزرگ به کار گرفته میشود و هر آنچه به نام ره آورد علم و تکنالوژی به حساب می رود، بگونه اختصاصی در خدمت فنون جنگی قرار داده میشود. مثلاً، طیاره های جنگی قدرت های بزرگ با دقت ترین و پیشرفته ترین امکانات کمپیوتری غرض کشف و جمع آوری اطلاعات و تصویربرداری و شناسائی و هدف گیری و غیره مجهز گردانیده شده اند. چنانکه دگروال یوسف پاکستانی که مدت چهار سال مسؤل بخش افغانستان در سازمان جاسوسی نظامی آن کشور بود، درجائی مینویسد که "ستلایت امریکائی حتا برگهای درختان را دقیقاً عکاسی کرده غرض فراهم آوری سهولت برای مجاهدین علیه روسها، به ما میفرستادند"

این البته موضوع مربوط به ده - پانزده سال قبل بود، درحالیکه ظرف سالهای اخیر، کشفیات، ساخته ها و انکشافات علمی و تخنیکی به مراتب تکامل کرده است. پس، اظهارات مقامات ناتو مبنی بر اینکه بمباران در اینجا و آنجا روی اشتباه صورت گرفته است، چندان قابل باور نیست و نباید نیرو های پیمان ناتو که همه گونه امکانات تکنالوژی جدید نظامی را در خدمت دارند، مرتکب چنین اشتباهات خونین و ننگین شوند که در هر بار ده ها و صد ها نفر مرد و زن و کودک افغانستان عزیز را به خاک و خون بکشانند و اسم آنرا بگذارند (اشتباه) !

حوادث غم انگیز کشتار مردم ما در نقاط مختلف کشور توسط بمباران های ناتو در حالی صورت می گیرد که از یکطرف تمام هم و غم رئیس جمهور کرزی را تماسگیری و مذاکره با طالبان انتحاری و امتیاز دهی به آنها و عذر وزاری کردن و تأسیس صندوق کمکهای مالی به این گروه تمدن ستیز تشکیل میدهد و از سوی دیگر، امریکا و متحدان آن، جنگ مبهم و شک برانگیزی را در هلمند به راه انداخته اند. این دو جریان درحقیقت اوضاع را به نفع دشمنان ملت افغانستان می چرخاند تا اصل گناه و جنایت های شان در میان هیا هوی جنگ و طالب زدائی و صلح طلبی و مذاکره و غیره از انظار پنهان بماند و یا لا اقل از جدیت آن کاسته شود. اما ملت افغانستان خطاب به آنان میگویند:

به هر شکلی که خواهی جامه میپوش

من از طرز خرامست می شناسم .

اینهمه جنگ و بی باکی و فریبکاری و غداری، عاقبت، خشم و خیزش عظیم ملی در سرزمین ما را درقبال خواهد داشت، خشم و خیزشی که سرنوشت اشغالگران تازه نفس را همانند اشغالگران سرخ روسی رقم خواهد زد. (پایان)